



عقل وحیانی بیشترین خضوع و خشوع را در مقابل قرآن و وحی دارد

آیت الله جوادی آملی در سفر به مقدس مشهد در مراسم دیدار نخبگان و اساتید علوم عقلی خراسان گفت: عقل وحیانی بیشترین خضوع و خشوع را در مقابل قرآن و وحی دارد.

آیت الله جوادی آملی در سفر به مقدس مشهد در مراسم دیدار نخبگان و اساتید علوم عقلی خراسان گفت: عقل وحیانی بیشترین خضوع و خشوع را در مقابل قرآن و وحی دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، در پی سفر حضرت آیت الله جوادی آملی به شهر مقدس مشهد، مراسم دیدار نخبگان و اساتید علوم عقلی خراسان با معظم له با همکاری مجمع عالی حکمت اسلامی شعبه مشهد و مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان در محل مدرسه تخصصی قرآن و عترت مشهد برگزار شد.

آیت الله جوادی آملی در این مراسم در سخنانی در تبیین «عقلانیت وحیانی» اظهار کرد: وقتی اسلام آمد درست است که فرمود «طلب العلم فریضة»، اما علم را عالم فرا می گیرد و عالم در نهاد خود یک مکتب و علم میزبان دارد که او را می دارد علومی را فرا بگیرد که با این میزبان سازگار باشد.

وی ادامه داد: دین آمده برنامه درسی ما را مشخص کرده است، حضرت فرمود «إِذَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آية محكمة، أو فریضة عادلة، أو سنّة قائمة»؛ «فریضة عادله» و «سنّة قائمه»، فقه، اصول، اخلاق و حقوق است اما آیه محکمه کاری به فقه و اصول ندارد، بلکه مربوط به جهان بینی، توحید، وحی، نبوت، امامت و ولایت و امثال این مسائل است، آیه محکمه مربوط به بود و نبود است، نه باید و نباید! «فریضة عادله» و «سنّة قائمه» مربوط به باید و نباید است.

وی خاطرنشان کرد: اما مسئله اصلی این است که چه کسی باید این علوم را یاد بگیرد؟! انسان متخیل باید یاد بگیرد؟! انسان متوهم باید یاد بگیرد؟! هرگز! آنکه متخیل و متوهم است در حد خیال و وهم علم را یاد می گیرد، اما آنکه عاقل است در حد عقل علم را فرا می گیرد.

آیت الله جوادی آملی تصریح کرد: مهمترین کاری که رهبران الهی کردند این بود که عقل جامعه را شکوفا کردند، در خطبه اول نهج البلاغه حضرت می فرماید «و یثیروا لهم دفائن العقول»؛ یعنی وحی و پیامبر آمده است که آن عقلی که در نهاد بشر دفینه هست را ثوره و شکوفا کند. پس اینها دو کار کردند، یکی اینکه آنچه خدا در درون همه به عنوان سرمایه درونی گذاشته است به عنوان صاحبخانه قرار دادند و دوم اینکه آن را شکوفا کردند.

وی ادامه داد: خدا ما را به عنوان یک لوح نانوشته خلق نکرد، در سوره شمس فرمود خیلی از اسرار را ما در درون انسان نهادینه کردیم؛ «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»، آنچه خوبی و بدی انسان بود را خدا به انسان الهام کرد، خداوند می فرماید ما انسان را با این سرمایه خلق کردیم، او صاحبخانه دارد، مبدا علمی را در حوزه یا دانشگاه فرا بگیرید و به درون دل خود مهمان کنید که با این صاحبخانه هماهنگ نباشد لذا اولین وظیفه ما این است که مهمانی را به حریم دل خود دعوت کنیم که با صاحبخانه سازگار باشد، علمی که با صاحبخانه هماهنگ نباشد یک اختلاف و غوغای درونی برای انسان ایجاد می کند، صاحبخانه ما علمی است که می داند چه چیز برای حقیقت انسان خوب است و چه چیز برای حقیقت انسان بد است.

این مرجع تقلید ابراز کرد: انبیاء وقتی این سرمایه را در ما شکوفا کردند و ما را عاقل کردند به ما اجازه حرف زدن دادند، این می شود «عقلانیت وحیانی»، شما می بینید در بخش پایانی سوره نساء همین عقل شکوفا شده حرفی را که می زند خدا قبول دارد؛ فرمود ما انبیاء را فرستادیم «رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» چراکه «لَئِنَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» ما اگر وحی و پیامبر نمی فرستادیم بشرعلیه من خدا احتجاج می کرد که تو مرا آفریدی اما ما نمی دانیم از کجا آمده ایم و به کجا می رویم و اسرار عالم چیست؟! تو که عالم مطلق چرا برای ما راهنما نفرستادی؟ این کدام عقل است که با خدا گفتگو دارد؟! کدام عقل است که احتجاج می کند و خدا حرف او را می پذیرد و آن را امضا می کند. این عقل «عقل وحیانی» است. این آیه سوره نساء می گوید عقل آنقدر قدس بلند است که در افعال خدا بتواند با خدا احتجاج کند.

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: اگر همین نکته تبیین شود آنگاه قاعده لطف که در کلام و اصول کم رنگ است زنده می

شود، اگر این عقلانیت و حیانی فتوا بدهد کلام زنده می شود، در پرتو کلام، اصول جان می گیرد و قاعده لطف فعال می شود.

وی به کلامی از کلینی در مقدمه کافی اشاره و بیان کرد: کلینی در مقدمه کافی می گوید قطب فرهنگی اسلام «عقل» است، منتها عقل و حیانی نه عقلی که گرفتار خیال و وهم است، این عقل و حیانی بیشترین خضوع و خشوع را در مقابل قرآن و وحی دارد.

وی در توصیه ای به اساتید حکمت و فلسفه خراسان اذعان کرد: کاری که خیلی از آقایان کردند و شما می توانید این کار را تکمیل کنید این است که بیش از چهل حدیث نورانی در قواعد فلسفی از کلمات ائمه علیهم السلام استخراج کردند، شما می توانید این قواعد حکمت را مثل خود حکمت تدریس کنید یا خودتان یک اربعین جدید بنویسید و این کار مقدور است.